

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۲

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود
سال سیزدهم، شماره ۵۱، پاییز ۱۳۹۸

بررسی تأثیر شخصیت مدعیان در بروز ادعای مهدوی

مرتضی عبدی چاری^۱
محمود ملکی راد^۲

چکیده

«شخصیت شناسی مدعیان» حوزه جدیدی است که به شاخصه های رفتاری، عوامل و بسترهای پیدایشی آنها و رویکردهای اجتماعی مدعیان می پردازد. «شخصیت» بیانگر آن دسته از ویژگی های افراد است که شامل الگوهای ثابت فکری، عاطفی و رفتاری آنهاست. شناخت ویژگی های شخصیتی «مدعیان» و زمینه های بروز ادعای شان، اهمیت بسیاری دارد، چراکه این امور بنیادین، شخصیت شان را تحت الشعاع قرار می دهد و آنها را وادار می کند شخصیت واقعی شان را فراموش کرده و برای خودشان شخصیتی دروغی بسازند. البته گاهی ادعای شخص مدعی، در روان و روحیات و گاهی هم در شخصیت منحرفش ریشه دارد، و گاهی هم معجونی از هر دو است. گفتنی است، شناسایی ریشه های فکری و عملی، درمان و مقابله با این پدیده شوم را آسان خواهد کرد.

واژگان کلیدی

شخصیت، مدعی، مهدویت، جامعه، ناکامی، سایکوز، سرخوردگی.

۱. دکتری الهیات و معارف اسلامی علوم و قرآن و حدیث؛ محقق در جایگاه هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی) (نویسنده مسئول) (m.abdichari@isca.ac.ir).
۲. استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (m.malekirad@isca.ac.ir).

مقدمه

در طول تاریخ، افرادی با انگیزه‌های متفاوت، خودشان را به جای شخص یا شخصیت دیگری معرفی کردند و در بیشتر موارد، به نیت پلید خود رسیدند؛ اما در مواردی هم اشخاصی در جامعه بودند که با علم و دانش، توطئه آنها را خنثی کرده و باعث افشاگری و بیداری مردم شده‌اند. مدعیان دروغین باعث انحراف جامعه اسلامی می‌شوند و مسلمانان دلسوز را به زحمت می‌اندازند. این افراد از کم‌اطلاعی افراد ساده‌اندیش و مشتاق به اهل بیت علیهم‌السلام، سوءاستفاده کرده و آنها را به عنوان «مرید» اطراف خود جمع می‌کنند و هر روز به ادعای دروغین خود لباس تازه‌ای می‌بخشند؛ گاهی از طریق روایات مجعول، گاهی از طریق خواب و رؤیا، و زمانی هم از طریق علوم غریبه. در این میان، عده‌ای از مدعیان دچار جهل مرکب هستند. این گروه برای جبران ناکامی خود در گذشته، دست به چنین عملی ناجوانمردانه‌ای می‌زنند و آن قدر غرق می‌شوند که باور اصلی‌شان را فراموش و به باور دوم اعتقاد پیدا می‌کنند! این افراد می‌دانند که باور نخست‌شان درست است، اما به خاطر تکرار دروغ، این حقیقت را فراموش می‌کنند.

شناخت ریشه‌های شخصیتی این افراد، یکی از بهترین راه‌های مبارزه با این گونه انحرافات است. بنابراین، بیان ویژگی‌های شخصیتی این افراد با تأکید بر تطبیق و مطالعه عملکرد مدعیان معاصر در پیشبرد اهداف‌شان و تحلیل و بررسی موارد یادشده، از اهداف این مقاله است تا با شناساندن این عوامل، گام مهمی برای مقابله با این گروه برداشته شود.

مفهوم «شخصیت»

«شخصیت» مصدر جعلی از ماده «شخص» به معنای شرافت، بزرگواری، مرتبه و درجه است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۹، ۱۴۱۸۳؛ معین، ۱۳۷۵: ج ۲، ۲۰۳۲) برای این لفظ در اصطلاحات گوناگون، معانی متفاوتی ذکر شده است. آنچه در این بحث مهم و ضروری است، معنای «شخصیت» بنابر اصطلاح قرآنی و روان‌شناسی است. روان‌شناسان در بحث از شخصیت، بیش از هر چیز به تفاوت‌های فردی توجه دارند؛ یعنی ویژگی‌هایی که فرد را از افراد دیگر متمایز می‌کند. (حبیبیان، ۱۳۷۴: ۲۴۵) از این رو، روان‌شناسان در تعریف دقیق این واژه، اتفاق نظر ندارند. در ادامه، به تعاریف برخی از روان‌شناسان اشاره می‌شود.

ریتال اتکینسون و همکارانش می‌گویند:

شخصیت، الگوهای معینی از رفتار و شیوه‌های تفکر است که نحوه سازگاری شخص

را با محیط تعیین می‌کند. (اتیکسون و دیگران، ۱۳۸۳: ج ۲، ۷۳)

گورن الپورت، بنیان‌گذار مطالعات نوین شخصیت، معتقد است:

شخصیت، سازمان پویایی از سیستم‌های روان - تنی فرد است که رفتارها و افکار خاص او را تعیین می‌کند. (آلن ا. راس، ۱۳۸۲: ۱۴)

ج. پ. گیلفورد می‌نویسد:

شخصیت، الگوی منحصربه‌فرد صفات شخصیتی است.

هم‌چنین ری‌موند کتل می‌گوید:

شخصیت، امکان پیش‌بینی آن‌چه را که فرد در موقعیتی خاص انجام خواهد داد، فراهم می‌کند. (همو)

اما نویسندگان کتاب‌های شخصیت، تعریف کاملی ارائه می‌دهد:

شخصیت، بیانگر آن دسته از ویژگی‌های فرد یا افراد است که شامل الگوهای ثابت فکری، عاطفی و رفتاری آنهاست. (آلن ا. راس، ۱۳۸۲: ۳)

قرآن کریم از «شخصیت» به «شاکله» تعبیر می‌کند: «قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا» (اسراء: ۸۴) و علامه طباطبایی آن را به معنای «خُلُق» دانسته است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ۲۶۱) ایشان در *نهایة الحکمه* درباره «خُلُق» می‌نویسند: ملکه نفسانی که افعال با سهولت و بدون تأمل و درنگ، از آن صادر می‌شوند. (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۴۷۸)

با توجه به مطالب پیش‌گفته، به این نتیجه می‌رسیم که تعریف مفسران از «شاکله» با تعاریف روان‌شناسان، هم‌سنخ است.

شایسته ذکر است که «شخصیت‌شناسی مدعیان» حوزه نوپا و جدیدی است که به شاخصه‌های رفتاری، عوامل و بسترهای پیدایشی آنها و رویکردهای اجتماعی مدعیان می‌پردازد. لذا مراد از «شخصیت» در این نوشته، همان شاکله قرآنی یا تیپ‌شناسی شخص مدعی است.

ریشه‌های تأثیرگذار در ادعای شخص مدعی

برای شخص مدعی، پیش‌زمینه‌هایی وجود دارد؛ به طوری که این پیش‌زمینه‌ها، شخصیت او را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند و او را وادار می‌کنند که شخصیت واقعی‌اش را فراموش کرده و برای خود شخصیتی دروغی بسازد. او با فکری پلید، کارش را شروع می‌کند و آن قدر در

دروغ‌پردازی‌اش غرق می‌شود که به مرحلهٔ باور می‌رسد!

گفتنی است، گاهی ادعای شخص مدعی، در روان و روحیات و گاهی هم در شخصیت منحرفش ریشه دارد، و گاهی هم معجونی از هردوست. مورد اول، بیمار است و باید به مراکز روان‌درمانی معرفی شده و تحت مراقبت قرار بگیرد؛ مورد دوم بسیار خطرناک و آسیب‌رسان است و باید برای مقابله با این طیف، همهٔ جامعه، به خصوص نیروهای امنیت ملی، بسیج شوند؛ برای امر سوم هم باید عملی متشکل از دو امر قبلی صورت پذیرد.

شایان ذکر است، شناسایی ریشه‌های فکری و عملی، درمان و مقابله با این پدیدهٔ شوم را آسان خواهد کرد؛ بدین روی، در این پژوهش به ریشه‌های روان‌شناختی^۱ مدعیان می‌پردازیم.

ریشهٔ روان‌شناختی

با نگاه به رفتار، شیوه‌ها و عملکرد بعضی مدعیان درمی‌یابیم که آنها اختلالات روانی خاصی دارند. اگر به بیمارستان‌های روانی کشور مراجعه کنیم، به مدعیانی - که آمار آنها قابل توجه است - برمی‌خوریم که ادعاهای عجیب و غریب دارند و در ادعای خود چنان جدی و مصممند که در مواردی، مردم به آنها ایمان آورده و جزو مریدانش می‌شوند! این اختلال روانی، ریشه در گذشتهٔ این افراد دارد. شناسایی این ریشه‌ها ما را در درمان و رفع این معضل اجتماعی کمک می‌کند.

۱. کمبود شخصیت

افراد در مقابل ناکامی‌ها و شداید زندگی، «آستانهٔ تحمل» متفاوتی دارند. ناکامی، حاصل شکست و تحقیر انسان‌هاست؛ ناکامی‌های دوران کودکی و ناکامی‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، شکست در زندگی زناشویی، در فعالیت‌های مختلف اجتماعی و تحقیرهای روا شده در طول دوران زندگی از جانب دیگران در حوزه‌های مختلف، به واکنش‌های غیرعادی افراد می‌انجامد. (اتیکسون و دیگران، ۱۳۸۳: ج ۱، ۲۵)

تأمل در ادعاهای هریک از مدعیان دروغین در عصر حاضر که صرفاً در راستای سودجویی‌های مالی و اخلاقی مطرح می‌شوند، نشان می‌دهد بسیاری از این ادعاها، از ناکامی‌هایی در طول زندگی نشئت می‌گیرند. این همان چیزی است که از آن به «احساس عقدهٔ حقارت» تعبیر می‌کنند؛ بدین معنا که این‌گونه افراد، شخصیت درونی ندارند و هر جا که

۱. «روان‌شناختی» علم مربوط به هر زمینه‌ای در روان‌شناختی و مشخص‌کنندهٔ هر نوع رویداد، فرایند، پدیده یا نظریه برای تأکید بر نقش روان‌شناسی در مقابل مفاهیم ضمنی دیگری که ممکن است وجود داشته باشد. (پورافکاری، فرهنگ جامع روان‌شناسی و روان‌پزشکی، ج ۲، ۱۲۰۸)

می‌روند، رنگ همان جا را می‌گیرند!

از سوی دیگر، برخی افراد دارای آستانه تحمل بالایی هستند و از این مشکلات عبور کرده و به اصلاح‌گری پرداخته‌اند. آنان هر کجا که باشند، به خاطر اطمینانی که در وجودشان هست، شخصیت مستقلی دارند و حرف‌های‌شان محکم و استوار است و چهره پنهانی ندارند. اما گروه اول، انسان‌هایی هستند که هر جایی بروند، از همه وحشت دارند، ناگهان چهره عوض می‌کنند و برای خود واقعی‌شان هیچ شخصیتی قائل نیستند. این افراد معمولاً بیمار هستند؛ مانند انسانی که در کودکی دچار کمبود یا محرومیتی بوده است و در بزرگسالی به دنبال جبران آن هستند. این عقده می‌تواند در بزرگسالی منجر به نوعی خودشیفتگی شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لِدَلَّةٍ وَجَدَهَا فِي نَفْسِهِ؛ (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۳، ۷۶۱، ح ۲۵۷۷)
هیچ فردی تکبر نمی‌کند مگر به خاطر ذلت و حقارتی که در ضمیر خود احساس می‌کند.

لذا حقارت نفس، انسان را به کارهای متکبرانه می‌کشاند. از این رو، افراد خودشیفته با توجه به این‌که غالباً از هوش بسیار خوبی بهره می‌برند، جامعه را به دنبال اهداف توخالی‌شان می‌کشانند و عواطف آنها را به سمت خود تحریک کرده تا از این طریق، از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، انتقام بگیرند؛ لذا دست به ادعاهایی می‌زنند که مورد پسند عامه است و باعث افزایش محبوبیت او در جامعه خواهد شد.

۲. سرخوردگی

«سرخوردگی»^۱ در لغت به معنای مأیوس شدن از کاری و سیر آمدن و بی‌رغبت شدن از آن است؛ (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۸، ۱۱۹۷۳) اما در اصطلاح روان‌شناسی به معنای «احساس ناشی از ناتوانی در دست یافتن به هدف مورد نظر به دلیل شکست‌های قبلی است».

امروزه به اشخاصی برمی‌خوریم که به وضعیت موجود قانع نیستند، بلکه می‌خواهند مثل دیگران باشند. چنین افرادی می‌خواهند مثل دیگری گام بردارند، اما راه رفتن خودشان را هم فراموش می‌کنند! یعنی آن‌چه می‌توانند باشند، نمی‌شوند و آن‌چه هم می‌خواهند بشوند، نمی‌توانند بشوند. این امر، زمینه ناامیدی‌شان را فراهم می‌کند؛ لذا دست به اقدامات نامتعارف می‌زنند و گاهی هم دچار افسردگی شده و گوشه‌گیری را برمی‌گزینند. گفتنی است،

1. Frustration

بسیاری از مدعیان از این بیماری رنج می‌برند.

اما شروع و شیوع این بیماری ممکن است از درون خانواده و در اجتماعی که در آن به سر می‌برند، صورت پذیرد. سرخوردگی زمانی برای شخص تأثیر مخرب دارد که آن فرد هم در جامعه و هم در خانواده، احساس امنیت نکند و اعتماد به نفسش را از دست بدهد.

الف) خانوادگی

رشد و نمو تربیتی انسان‌ها از خانه شروع می‌شود و ناکامی‌های دوران طفولیت، تأثیر بدی بر دوران بزرگسالی خواهد گذاشت. فرزندان طلاق یا بدسرپرست هر آنچه در کودکی از آن محروم بودند، در بزرگسالی به هر شکل ممکن به دست خواهند آورد. کودکی که در دوران طفولیت محبت ندیده، به هر شکل ممکن دنبال محبت دیگران می‌گردد؛ حتی از طریق تحریک عواطف مذهبی - مانند ادعا کردن به جای یک شخصیت دینی - تا بتواند از این طریق، محبت کسب نشده کودکی‌اش را جبران کند.

این مسئله در کتاب *زمینه‌های روان‌شناختی* مطرح شده است. نویسندگان این کتاب در پاسخ به این سؤال که: چه عاملی در به وجود آوردن شخصیت جامعه‌ستیز، نقش و سهمی دارد؟ یکی از آن عوامل را تأثیرات و نقش والدین در کودکی می‌دانند و این‌که والدین با فرزندشان در کودکی، برخورد تربیتی مناسبی نداشته‌اند. (اتیکسون و دیگران، ۱۳۸۳: ج ۲، ۲۳۸)

آمار افرادی که دچار اختلالات روانی در جامعه گشته‌اند، ناشی از رفتارهای نامناسب والدین با کودکانشان بوده است و آنها در محیط خانه سرخورده و منزوی شده‌اند. با بررسی دلایل اکثر فراریان از خانه، معتادان، قاتلان و حتی مدعیان، درمی‌یابیم که آنها دوران کودکی خوبی نداشته‌اند. این مسئله را می‌توان با جست‌وجویی ساده در زندان‌ها و بازپروری‌های سطح شهر به دست آورد.

اگر کودکی از همان ابتدا مورد تحقیر و سرزنش قرار بگیرد، رفتاری در ذهنش شکل می‌گیرد که همیشه لایق شنیدن سرزنش است و به مرور زمان این فکر به باور وی تبدیل می‌شود و بدون این‌که بخواهیم، در سراسر زندگی ما تأثیرگذار است. فردی که در دوران کودکی با سرخوردگی‌های شدیدی از سوی خانواده روبه‌رو می‌شود، در آینده بسیار آسیب‌پذیر شده و آینده‌اش نیز به خطر می‌افتد، چراکه در فضای اختلال قرار گرفته است. در واقع هر نوع رفتار منفی یا مثبت با کودکان، در ذهنشان نقش می‌بندد و بر اساس آن، در آینده واکنش‌های مثبت یا منفی از خود نشان می‌دهند. در مواردی که افراد به خاطر شرایط گذشته هنجارشکن می‌شوند، بهترین عمل و تکنیک، خوداظهاری آنان است. در این روش، فردی که در



شرایط سالم رشد یافته و فردی که دچار معضلات و خاطرات تلخ گذشته است، بسیار متفاوت عمل می‌کنند.

خانم «ف-آرمان» سه همسر اختیار کرد. او از دو همسرش جدا شد و در حال حاضر با همسر سومش زندگی می‌کند؛ در عین حال ادعا می‌کند فاطمه زهرا علیها السلام به خواستگاری اش آمده برای فرزندش مهدی علیه السلام! با این‌که می‌داند دروغ است، اما این ادعا را علنی می‌کند! عده زیادی از زنان دورش جمع شدند و حتی برای این‌که این خانم با حضرت زندگی کند، خانه‌ای در اطراف قم برایش درست کردند. سپس ادعای ملاقات با حضرت و دلبری حضرت را مطرح می‌کند که: من با دیدن «ف»، چهل سال به ظهورم نزدیک تر شدم! او می‌گوید: تمام لحظات زندگی‌ام به یاد معشوقم «امام زمان علیه السلام» هستم؛ حتی لحظاتی که در کنار همسرم هستم، به یاد اویم!... این خانم آن قدر در ادعایش غرق شده که برای او این مسئله، به یک باور تبدیل شده است و حتی بعد از دستگیری، این ادعا را تکرار می‌کرد!

با نگاهی به زندگی این زن می‌بینیم اولین بهانه دست زدن به چنین عملی، ناکامی در ازدواجش است. اطرافیان نیز که سخن ایشان را بدون مطالعه قبول کردند و به او دل بستند، او را به این ورطه کشانده و بیماری‌ای به بیماری‌اش اضافه کردند.

ب) اجتماعی

جامعه، سرشار از بیم‌ها و امیدهاست و گاهی ناملایمات فرهنگی و اقتصادی، مشکلات روحی و روانی فراوانی را برای افراد جامعه ایجاد می‌کند. فقر و گرسنگی شدید، زمینه را برای عقدۀ حقارت، دستبرد زدن به مال مردم و ناامنی در جامعه را فراهم خواهد کرد؛ همین‌طور ابتذال، بی‌بندوباری و ناهنجاری‌های فرهنگی، زمینه را برای افسردگی و ناهنجاری‌های رفتاری ایجاد می‌کند.

رعایت نکردن سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام در برخوردهای اجتماعی، فرق قائل شدن مسئولان در مواجهه با افراد جامعه و کم‌توجهی به آنها، خلل‌هایی مانند کمبود شخصیت و انزوا ایجاد می‌کند. اسلام، استهزا، چاپلوسی و تملق‌گویی را مورد مذمت قرار داده است. زبان تمسخرآمیز، چاپلوسی و تملق یعنی چیزی به زبان آورده شود، در حالی که به صورت قلبی به آن اعتقاد نداشته باشد و با این کار قصد سودجویی و منافع مادی و اجتماعی خویش را حفظ کند، و یا این‌که قصد تمسخر داشته باشد. خداوند در قرآن کریم این گروه از افراد را مذمت کرده است.

«سید حسین کاظمینی بروجردی» یکی از مدعیانی است که تملق و چاپلوسی اطرافیان، او را

به ورطه انحراف کشانده است. او سواد طلبگی نداشت، اما برای جذب مخاطب با وضعی آراسته و معطر در بیرون ظاهر می‌شد و برای خوشایند مخاطبان، از روایات نو اما ضعیف، همراه با تفسیر شبه‌عرفانی سخن می‌گفت، تا این‌که مریدانی در اطراف خود جمع کرد. بعضی از این مریدان، او را تمجید می‌کردند و او را در مرتبه اولیاء الله می‌دانستند! و این سرآغاز زندگی جدید این شخص برای گسترش ادعاهایش مبنی بر ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه شد؛ به طوری که مردم حاجت‌مند ساعت‌ها برای دیدن او منتظر می‌ماندند و حتی بعضی مجالس، به خاطر فراوانی جمعیت، در سالن ورزشی برگزار می‌شد! او می‌گوید:

دوست داشتم جمعیت جلسه من آن قدر زیاد شود که بین میدان انقلاب و آزادی مردم جمع شوند و برنامه اجرا کنم. اگر شما جلوگیری نمی‌کردید، در جلسه بعدی ام که سیزدهم رجب بود، این اتفاق می‌افتاد؛ یعنی جوری می‌شد که استاد یوم‌ها جا نداشت. این تزم بود. الآن که نگاه می‌کنم، می‌بینم لذت می‌بردم.

وی در پاسخ به این سؤال که: به فرض، جمعیت جمع شوند؛ شما که معلومات کافی نداشتید! گفت:

حُب، من که بحث علمی نمی‌کردم. این اسلام سنتی را این آخری‌ها در آوردم. نمی‌گفتم می‌خواهم اسلام‌شناسی بگویم. نیم ساعت دعا و توسل می‌خواندم. دعا را دکلمه‌وار می‌خواندم. خودم هم شعر می‌سرودم. صوت خوبی هم داشتم. خلاصه يك کاری می‌کردم که بیشتر لات‌ها و بدحجاب‌ها جذب می‌شدند.

او در جای دیگر می‌گوید:

قرآن را به صورت مدون با گلاب و زعفران می‌نوشتیم و به گرفتاران می‌دادم. می‌آمدند و می‌گرفتند. خیال می‌کردند این دعا چون بوی خوبی می‌دهد، از عرش آمده است. حتی یکی از مریدان به من گفت: شما مهدی هستید! اما من لبخندی زدم و چیزی نگفتم.

با تعریف و تملق به قصد استهزای اطرافیان، مدعی پوست می‌اندازد و شخصیت دیگری خواهد شد و این مسئله یکی از عوامل مهم در ایجاد انحراف در شخص مدعی خواهد شد و مسیر زندگی او و دیگران را دگرگون خواهد کرد. نمونه‌هایی از این دست، در زمان معاصر وجود دارد که شخصیتش را، تمسخر و تملق اطرافیان پایه‌ریزی کرده است.

۳. ناکامی (frustration)

هنگامی که راه دست‌یابی به هدف، بسته می‌شود یا دست‌یابی به آن به تأخیر می‌افتد، ناکامی برای فرد روی می‌دهد. این سدها ممکن است درونی و یا بیرونی بر سر راه و

کوشش‌های فرد برای دست‌یابی به هدفش قرار بگیرد. امر و نهی نابه‌جای پدر و مادر و مشکلات دیگر مانند تبعیض نژادی یا جنسیتی، از جمله محدودیت‌های اجتماعی است که بر فرد تحمیل می‌شود. گاهی نیز محدودیت و موانع از سوی خودش است؛ مانند معلولیت جسمانی، نداشتن بعضی از توانایی‌ها و یا خویشتن‌داری ناپسند و نابه‌جا آدمی را از رسیدن به هدفش باز می‌دارد؛ لذا این نوع افراد برای خود هدف‌هایی فراتر از توانایی‌هایشان انتخاب می‌کنند و لذا دچار ناکامی می‌شوند (اتیکسون و دیگران، ۱۳۸۳: ج ۲، ۱۳۸).

ناکامی و شکست در جریان زندگی، انسان ضعیف‌النفس را به وادی‌ای سوق می‌دهد که به واسطه آن شکست، از دیگران انتقام بگیرد؛ این انتقام‌گیری ممکن است در بیشتر موارد با ادعایی واهی شروع شود و آن قدر محض در آن شده، همان ادعا را به صورت احساساتی قوی به دیگران منتقل کند. این افراد به واسطه هوش، حافظه و استعداد فراوانی که دارند، در درون افراد کم‌اطلاع نفوذ کرده و با خود همراه می‌کنند تا به وسیله آنها، آن ناکامی و شکست را تحمل یا جبران کنند.

شخصیت انسان در جامعه شکل می‌گیرد. هرچه جامعه سالم‌تر باشد، افراد آن جامعه از روحی سالم و طبعی آرام برخوردارند. در جامعه‌ای که به شخصیت افراد بها داده نشود و به هنجارها و ناهنجاری‌های آنها توجه نگردد، گونه‌های شخصیتی به وجود می‌آید که یکی از آنها ایجاد و پرورش انسان مدعی است. شخص مدعی احساس محرومیت نسبی، نارضایتی و احساس ضرر خود را میان قومیت‌ها برده و آن را درونی می‌کند. این احساس، توده‌های قومی را به عنوان یک مجموعه محروم و تحت ستم برای رفع محرومیت برمی‌انگیزاند. این احساس محرومیت می‌تواند بیانگر واقعیت محرومیت باشد؛ لذا تلاش می‌کند تا از خود محرومیت‌زدایی کند؛ از این رو، جامعه‌گریز می‌شود و دست به ناهنجاری‌های اجتماعی می‌زند.

خانم بتول - ب، معروف به «بتول درویش»، یکی از مدعیان دروغین است. بتول به لحاظ فقر مالی، از سال ۱۳۸۰ فعالیت‌هایش را مبنی بر ترویج خرافه‌پرستی و موهوم‌گرایی و سوءاستفاده از اعتقادات مذهبی شروع کرد. او در قسمتی از ادعاهایش می‌گوید:

«من دارای موکل و همزادی به نام «افعی» هستم که هر کاری بخواهم، برایم انجام می‌دهد؛

«من با امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف ارتباط دارم و یار ششم حضرت منم؛

«بیماران را شفا می‌دهم و شرّ جن را از منازل دفع می‌کنم؛

«با عالم غیب ارتباط دارم؛

«قدرت طی‌السماء و طی‌الارض و ارتباط با ارواح دارم!

بتول برای انجام کارهایش ده هم دست داشته و برای این که مردم را جذب خودش کند، از شگردهای زیر استفاده می‌کرد:

- پوشیدن لباس سفید به مانند درویش، عطرافشانی، معطر کردن تسبیح مراجعان، دادن طلسم و نیز این که دارای موکلان و همزاد است و هم چنین توانایی ارتباط با همزاد دیگران؛
- تعیین و اخذ پول به عنوان حق الناس، حد، جریمه گناهان و ردّ مظالم از مردم؛
- دریافت پول جهت کمک به مسجد جمکران و هم چنین ساخت مسجدی در بیابان‌های قم برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

- خرید شام عروسی و پرده منزل دخترش را، هدیه موکلان عنوان کرده است؛
- پول‌هایی را کف منزل چیده و سپس به مهمانان می‌گوید: این‌ها را موکلانم چیده‌اند و ما حق دست زدن به آنها را نداریم؛
- در مهمانی‌ها از داخل کیف و دامنش، پول بیرون می‌ریخت و او می‌گفت: موکلانم آورده‌اند و من نیاز به پول هیچ‌کس ندارم.

او با این که سواد در حد راهنمایی دارد، توانست ده هم دست برای خود تهیه نموده و از افراد کم اطلاع، اما عاشق ائمه علیهم السلام سوءاستفاده کند. مواردی از این دست، در جامعه زیاد به چشم می‌خورد؛ حتی بعضی از این افراد، دست به قتل نفس می‌زنند!

البته گاهی این احساس محرومیت می‌تواند جعلی و توهمی نیز باشد. مسبب اصلی این ساختگی بودن و خیال پردازانه بودن، می‌تواند القائاتی از سوی دیگران باشد.

میان مدعیان مهدویت، «فاطمیان» از این موضوع بیشترین بهره را بردند. در طول چندین سال، مبلغان فاطمی با بهره‌گیری از ابزارهای تبلیغاتی، تلاش مضاعفی را برای گسترش احساس محرومیت «قوم بربر» با هدف پیشبرد قیام، به زعامت اسماعیلیان، به انجام رساندند. طرح همیشگی محرومیت‌های فرهنگی و سیاسی قوم بربر در شمال آفریقا از راه‌های گوناگون، در تحریک قوم بربر و اعتقاد آنان به مهدویت «عبیدالله المهدی» بسیار مؤثر و کارساز بود.^۱

۴. روان پریشی

روان پریشی یا سایکوز^۲ (Psychosis) به معنای وضعیت روانی غیرطبیعی است. واژه

۱. برگرفته از: مقاله «هنر فاطمیان، پیشرو یا در اوج» اولگ گرابار؛ ترجمه: صفورا فضل‌اللهی که در کتاب خدمات اسماعیلیه به فرهنگ اسلامی؛ ویرایش سید حسین نصر، ۲۲۴-۲۰۷؛ منتشر شده توسط آکادمی سلطنتی ایران برای فلسفه.

۲. اختلال روانی شدیدی که در آن تفکر و هیجان چنان مختل می‌شود که شخص به میزان زیادی تماس خود را با واقعیت از دست می‌دهد. (ریتال. اتیکسون و ریچارد س. اتیکسون و ارنست ر. هلیگارد، زمینه‌های روان‌شناختی، ج ۲، ۵۰۶)

«سایکوز» از ترکیب دو کلمه یونانی "psyche" به معنای روان و "osis" به معنای وضعیت غیرطبیعی تشکیل شده است؛ و به معنای وضعیت روانی غیرطبیعی است که حالت‌های مختلفی را در بر می‌گیرد، ولی اصلی‌ترین ویژگی آنها نوعی قطع ارتباط با واقعیت است.

«روان‌پریشی» در اصطلاح روان‌پزشکی، حالتی روانی را گویند که اغلب به صورت «از دست دادن تماس با واقعیت» توصیف می‌شود. سایکوز به انواع جدی اختلالات روانی اطلاق می‌شود که در طول آنها، بیمار ممکن است دچار توهم و هذیان شود. این شخص بر اختلال خود آگاهی ندارد و خود را از جهان خارج، که لبریز از ناکامی است، جدا می‌سازد و برای خود و به سلیقه خود، دنیایی خاص می‌آفریند که در آن خود را قادر مطلق فرض می‌کند. (رزم‌آزما، هوشیار، ۱۳۷۰: ۳۱۳)

گاه افراد سایکوتیک اختلال شخصیت نیز دارند. در اختلال روان‌پریشی، شخص واقعاً بیمار است و درباره کار خود هیچ‌گونه بصیرتی ندارد. این بیماری دارای شدت و ضعف است، و بعضی از جنون‌های پیشرفته قابل درمان نیستند. غالب این افراد، ضریب هوشی بسیار بالایی دارند!

این‌گونه افراد، نشانه‌هایی دارند؛ مانند:

- نابه‌سامان حرف می‌زنند؛ یعنی بارها از ریل تفکر و حرف خارج می‌شوند؛
- رفتارشان هم مانند گفتارشان، نابه‌سامان و آشفته است؛
- علائم منفی مانند انزوایی شدید، بی‌ارادگی و سکوت در آنها مشاهده می‌شود؛
- توهم‌هایی دوگانه در گوش خود می‌شنوند؛ صدای اولی می‌گوید: این کار را انجام بده و دیگری می‌گوید: انجام نده؛
- هذیان می‌گویند؛ گاهی هذیان‌هایش را همه مردم می‌فهمند و گاهی اوقات قابل فهم نیست؛ به همین خاطر، عده‌ای به سوی او گرایش پیدا می‌کنند؛
- استمرار این ادعا باید حداقل یک ماه و حداکثر شش ماه طول بکشد.
- نکته قابل توجه این‌که، معمولاً افرادی که از این نوع مدعیان پیروی می‌کنند، ممکن است دچار جنون‌ریزی یا عقده حقارت باشند. عامل اصلی عقده حقارت می‌تواند مسائل زیر باشد:
- حق‌شان در اجتماع به نوعی تضییع شده است؛
- در جامعه جایگاه خاصی به آنها نمی‌دهند؛
- در دوران کودکی نیاز آنها برآورده نشده است؛
- و بالاخره احساسات سرکوب شده، آنها را کنار مدعی قرار می‌دهد (پورافکاری،

ویژگی اساسی در بیماری سایکوز به دو صورت بروز می‌کند:

الف) هذیان (اختلال ناشی از تفکر درست):

«هذیان»^۱ عقیده باطلی است که با منطق، قابل اصلاح نیست و اعضای گروه - که شخص متعلق به آن گروه است - در آن عقیده با او مشترک نیستند. این نوع اختلال بیشتر در بیماران «اسکیزوفرنی» مشاهده می‌شود؛ وقتی زندگی واقعی چیزی را که دلخواه شخص است از او دریغ می‌دارد، هذیان و خیال‌پردازی به سراغش می‌آید تا امکان مدارا با مسائل، مشکلات و فشارهای روانی فراهم گردد؛ از این رو، محتوا و پس‌زمینه هذیان بر طبق نیازها و مشکلاتی است که فرد به آن مبتلا بوده است. (پورافکاری، ۱۳۷۳: ج ۱، ۳۸۳)

این افراد، افکار و اندیشه‌های نادرستی دارند که به رغم وجود شواهدی حاکی از نادرست بودنشان، فرد آن را باور داشته و یقین می‌کند و بر صحیح بودنش اصرار می‌ورزد؛ حتی ممکن است فکر کند خیلی زیباست، در حالی که بسیار ظاهری نازیبا دارد! و یا فکر می‌کند فرستاده مرسل و ملکوتی است، اما یک شخص عادی و بیچاره است! آنان چنان با قاطعیت درباره ادعای خود سخن می‌گویند و دیگر هیچ منطقی را نمی‌پذیرند و ادعا می‌کنند که به آنها وحی و الهام می‌شود، که افراد دارای روحیه منفعل، به سرعت تحت تأثیر او قرار گرفته، شبیه وی می‌شوند و ممکن است حاضر شوند فداکاری‌های بسیار چشم‌گیر و قابل توجهی انجام دهند! نمونه این نظر کارشناسی را می‌توان در پروان مدعیان متعدد دید.^۲

از سوی دیگر، یکی از عوامل پذیرش مردمی نسبت به ادعاها این است که آن را الهامی، غیبی و مطابق دستور ماورائی می‌دانند. برای نمونه، شخصی - که الآن در بیمارستان‌های روانی تهران است - ادعا کرد: من نظریه ولایت فقیه را در کهکشان‌ها نوشته‌ام! ایشان در دوره یکی از رؤسای جمهور، به کزات به سخنرانی دعوت می‌شد و عکس‌های سخنرانی او موجود است. او چندین بار در کنفرانس‌ها و دانشگاه‌های سراسر کشور دعوت به صحبت می‌شد! پزشک معالج او می‌گوید: وقتی با او، خانواده و اطرافیانش صحبت شد، فهمیدیم که حتی دیپلم ندارد؛ در حالی که از او به عنوان «پرفسور» دعوت می‌کردند! او در سخنرانی‌های خود با قیافه‌ای غلط‌انداز، کیف سامسونت و ریش پرفسوری آن چنان باصلاط و محکم صحبت می‌کرد که افراد را تحت تأثیر قرار می‌داد و مسحور خود می‌کرد.

1. Delusion

۲. آقای بروجردی در اعترافش گفت: «مربدان من چنان به من اعتقاد داشتند که اگر به آنها می‌گفتم این جا کربلاست، حاضر بودن جانشان را فدا کنند!»

گفتنی است، ضریب هوشی بالای این اشخاص نمی‌گذارد مردم متوجه هذیان گفتن او بشوند.

با توجه به موارد ذکرشده، این اشخاص عموماً دارای این ویژگی‌ها هستند:

- شخص دارای هذیان اعتقاد حتمی به واقعی بودن اعتقادش دارد؛
- عقایدش اهمیت بسیار فوق‌العاده‌ای برای او دارد و بر تمام رفتار او اثر کرده و تمام اعمال او را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛
- عقاید بیمار هذیانی را نمی‌توان با بحث و استدلال اصلاح کرد. (پورافکاری، ۱۳۷۳: ج ۱، ۳۸۴)

ب) توهم (اختلال ناشی از درک صحیح):

«توهم»^۱ یعنی تجارب حسی یا ادراکی که منبع خارجی (واقعی) ندارند؛ مانند شنیدن صدایی که به فرد دستور کشتن کسی را می‌دهد. در بیمار سایکوتیک، بیمار به تمام محرک‌ها، خواه منبع داخلی یا خارجی داشته باشد، حساس بوده و قادر نیست ادراک‌های خود را به صورت یک الگوی معنی‌دار انجام دهد.

«جعفر-ب»، یکی از مدعیان دروغین، چنین ادعاهایی دارد:

- او به یکی از شاگردانش چنین گفته:

من از کودکی علاقه خاصی به کوهستان داشته‌ام و در یکی از روزهایی که به کوهستان رفته بودم، متوجه شدم که يك سفینه در بالای سرم قرار گرفته است و نیروی خاصی از طریق آن به بدن من وارد شد. بعد از این اتفاق، من موضوع را با فردی به نام دکتر معرفت که در روستای گرمدره کرج می‌باشد و دارای علوم باطنی است، در میان گذاشتم و ایشان به من گفتند: این نیرو قسمتی از قدرت کلمه «لا اله الا الله» بوده و تو فقط از قدرت کلمه «لای» آن بهره‌مند شده‌ای. از آن تاریخ به بعد من این قدرت را پیدا کردم که روح خود را به پرواز دریاورم و هم‌چنین روح هر کس را که بخواهم، می‌توانم رصد کنم؛ یعنی باطن او را ببینم ...

- نام خداوند را با اسم «آسمان» مطرح می‌کنند.

- مدعی است که می‌تواند این قدرت را به بعضی افراد بدهد تا آنها نیز روح‌شان به پرواز دربیاید و یا این‌که باطن افراد دیگر را ببینند که این درجه تا کنون به دو نفر از شاگردان ایشان

۱. توهم نوعی اختلال در حواس پنج‌گانه آن شخص است؛ مانند توهم در بینایی، شنوایی، گویایی و یا حتی احشایی؛ شخص احساس می‌کند داخل رگ‌هایش يك چیزی حرکت می‌کند. در این قسمت هم استدلال نقشی ندارد، و در واقع تفکر جادویی بر آنها حاکم است.

به نام‌های «محمد-ط» و «علی-ص» از طرف نامبرده اعطا شده است!

- او ادعا دارد که می‌تواند حتی باطن معصومین علیهم‌السلام را رصد نماید و شکل آنها را بیان کند و از آن طرف روح خبیث‌ترین افراد مانند یزید (لعنت الله علیه) را مورد رصد قرار دهد! او تا کنون باطن رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امام حسین علیه‌السلام، بودا و یزید را در کلاس‌هایش مورد رصد قرار داده است.

- مدعی است مقامش بالاتر از ابوسعید ابوالخیر است و او را باید «آیت‌الله» نامید!

در ضمن افراد شرکت‌کننده، از سخنان‌ش بسیار منفعل هستند؛ حتی خانم‌هایی که در این جلسات شرکت می‌کنند - که وضع ظاهری نامناسبی دارند - جهت رصد شدن، باید در میان جمع بنشینند (در میان نامحرم‌ها) تا آقای جعفر-ب، آنها را رصد کند!

گفتنی است، نام‌برده رابطه بسیار خوبی با خانم‌ها برقرار می‌کند و لحظاتی را در گوشه و کنار با آنها به صورت خصوصی صحبت می‌کند. جالب این‌که شوهر، برادر و بستگان این افراد نیز در جلسه حضور دارند، ولی به خاطر اطمینان زیادی که به وی دارند، از کنار این موضوع به راحتی عبور می‌کنند!

شاگردان او ایشان را با این القاب نام می‌برند: آیت‌الله، معجزه قرن، و مسیح (به شاگردان خاص او «حواریون» گفته می‌شود)!

هم‌چنین خانمی به نام «زهرا-س» معروف به «مامان» که دارای دو فرزند بوده و همسرش از بازنشستگان ارتش است، اقدام به برگزاری کلاس‌های مذهبی در جنوب شرق تهران «بیت‌المهدی وحي‌الشرع» کرده است. هر کس حق شرکت در این جلسات را ندارد و پیش از ورود به این کلاس‌ها، خانم «زهرا-س» باید فرد مورد نظر را تأیید کند. جلسات این خانم از چند حلقه تشکیل می‌شود که حلقه نخست آن، مخصوص شاگردان خاص ایشان است و هیچ کس حق ورود به این جلسات را ندارد. او در بین شاگردانش، بسیار محبوب است و گفته می‌شود: شاگردانش از ۳۰ نفر به ۳۰۰ نفر رسیده‌اند! در انتهای جلسات، مراسم دست‌بوسی این خانم توسط شاگردان برگزار می‌شود. او به خانم‌های جلسه این مطلب را القا می‌کند که شما خانم‌ها به مقامی خواهید رسید که دیگر شوهرانتان نیاز به نماز خواندن ندارند؛ همین قدر که شما نماز می‌خوانید بس است!

این نمونه کوچکی از بیماران روان‌پریش دارای هذیان و توهم است، و اگر تمام مدعیان به درستی مورد بررسی قرار گیرند، این بیماری در بسیاری از آنها وجود دارد؛ بعضی شدید و بعضی دیگر ضعیف. بسیاری از این افراد در ابتدای امر بیمار نبودند، ولی ممارست و تشویق شنوندگان، آنها را به این بیماری مبتلا کرده است!

نتیجه‌گیری

مدعی، شخصیت بسیار پیچیده‌ای دارد؛ اما این‌که چرا این شخص در این وادی پرفریب قرار می‌گیرد، از جنبه‌های گوناگون باید مورد بررسی و دقت علمی قرار گیرد. شناخت ریشه‌های این پدیده، ما را در مقابله با این بیماری اجتماعی، کمک شایانی خواهد کرد. شناخت بیماری و درد بسیار مشکل و دشوار است، اما همین‌که درد و منشأ بیماری مشخص شود، درمانش برای درمانگر بسیار آسان خواهد بود.

«کمبود شخصیت»، «سرخوردگی»، «ناکامی» و «روان‌پریشی» از عوامل مهمی است که شخصیت مدعی به وسیله این عوامل ساخته می‌شود. این‌ها منشأ و ریشه‌های اصلی دردهای اجتماعی هستند که با شناخت آنها می‌توان ریشه این بلایا را در اجتماع از بین ببریم. به نظر می‌رسد، ریشه اصلی این دردها را باید در خانواده و جامعه جست‌وجو کرد و تا زمانی که این دو اصلاح نشوند، جامعه هم‌چنان دچار این آسیب باقی می‌ماند.

البته این مسئله می‌تواند ابعاد دیگری داشته باشد؛ مثل دسیسه دشمنان که به دنبال ایجاد تفکر باطل در جامعه‌اند؛ بهائیت، داعش و وهابی‌گری، نمونه‌هایی از این دست هستند. گاهی هم هوا و هوس شخص مدعی، او را به این مسئله می‌کشاند. این مورد تقریباً شامل قریب به اتفاق مدعیان می‌شود. اما مسئله مهم‌تر، مدعیانی هستند که باید آنها را به چشم یک بیمار نگاه کرد. این‌گونه افراد هرچند در ابتدای امر به مسئله ادعا واقفند، اما به مرور زمان این مسئله آنها را بیمار می‌کند.

شایان ذکر است، تنها راه‌کار مفید و مهمی که می‌تواند مدعیان را زمین‌گیر کند، افشاگری و بالا بردن «سطح معلومات» مردم است؛ لذا اگر سطح علمی و مذهبی مردم از طریق رسانه‌های جمعی بالا برود و آگاهی کامل پیدا کنند، دیگر عرصه برای این نوع افراد با هر نوع انگیزه ایجاد نخواهد شد. داشتن خانواده سالم و به دور از تنش و کمبود اقتصادی، «جامعه‌ای به دور از ناهنجاری»، «مطالعه دقیق دینی بدون غلو و زودباوری» و «بیان درست مسائل دینی و آخرالزمان و بازگو کردن ابهامات موجود توسط کارشناسان فن و پرهیز از دامن زدن به مسائل اختلافی»، «بررسی دقیق مبانی دینی و دسترسی آسان مردم به آنها» و... از جمله مواردی است که باید به آن توجه شود، تا جامعه اسلامی از لوثر افرادی که فکر و اعتقاد مردم را منحرف می‌کنند، پاک گردد.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی، *الأمالی* (للصدوق)، تهران، بی نا، ششم، ۱۳۷۶ ش.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، قم، بی نا، دوم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق.
- آلن ا. راس، *روان شناسی شخصیت (نظریه ها و فرایندها)*، ترجمه: سیاوش جمال فر، تهران، نشر روان، چهارم، ۱۳۸۲ ش.
- پارسا، محمد، *زمینه روان شناسی (روان شناسی عمومی)*، تهران، انتشارات پیوند، ۱۳۶۶ ش.
- پورافکاری، نصرت الله، *فرهنگ جامع روان شناسی و روان پزشکی*، نشر فرهنگ معاصر، تهران، ششم، ۱۳۷۳ ش.
- حبیبیان، احمد، *مروری بر روان آدمی از دیدگاه اسلام*، تهران، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۷۴ ش.
- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، تهران، نشر دانشگاه تهران، دوم، ۱۳۷۳ ش.
- رزم آزما، هوشیار، *فرهنگ روان شناسی* (انگلیسی، فرانسه، فارسی)، تهران، نشر علمی، اول، ۱۳۷۰ ش.
- ریتال. اتیکسون و ریچارد س. اتیکسون و ارنست ر. هلیگارد، *زمینه های روان شناسی*، ترجمه: محمدنقی براهینی و دیگران، تهران، نشر رشد، دوازدهم، ۱۳۶۶ ش.
- طباطبایی، محمدحسین، *ترجمه و شرح نهایة الحکمة*، قم، مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، دوم، ۱۳۸۷ ش.
- کیلن، ملانی و اسمتانا، جوریت، *رشد اخلاقی*، ترجمه محمدرضا جهانگیرزاده و دیگران، قم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول، ۱۳۸۹ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی* (ط دارالحدیث)، قم، بی نا، ۱۴۲۹ ق.
- لورنس ای. پروین و اولیور پی. جان، *شخصیت (نظریه و پژوهش)*، ترجمه: محمدجعفر جوادى و پروین کدیور، بی جا، نشر آبیژ، اول، ۱۳۸۱ ش.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- محمدی ری شهری، محمد، *میزان الحکمة*، بی جا، دارالحدیث، اول، بی تا.
- معین، محمد، *فرهنگ معین*، تهران، امیرکبیر، هشتم، ۱۳۷۵ ش.
- موسوی همدانی، سید محمدباقر، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم، ۱۳۷۴ ش.